

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625

Article Cod: SH22R912670

ISSN-P: 2676-6442

بررسی حقوقی اصول و قواعد فقهی در نظام بانکی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ - تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۳/۰۴)

دکتر فاطمه انتشاری

چکیده

اصول و قواعد فقهی و اسلامی چاشنی مهم و لاینفک در سیستم بانکداری اسلامی بدون ربا می باشد. مسأله نظارت شرعی بر سیستم بانکی کشور و دغدغه لزوم انطباق عملیات بانکی با شرع مقدس اسلام از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون یعنی بیش از سه دهه است که مورد توجه فعالان اقتصادی و مسئولان کشوری و مراجع تقلید و مردم می باشد. با توجه به اهمیت موضوع، تنوع مباحث مربوط و پراکندگی نظرات فقهی - حقوقی از یکسو و ابعاد مختلف قانونی - اجرایی و ضرورت ایجاد وحدت رویه در عمل و هماهنگی با جریان اقتصاد و تجارت بین الملل از سوی دیگر، پرداختن به مسائل مرتبط با حقوق بانکی از منظر فقه امامیه همراه با تحولات نوین صورت گرفته در جهان از اوجب واجبات محسوب شده زیرا آثار ناشی از آن متوجه "حق الله" و "حق الناس" می شود. به هر صورت و با توجه به اهمیت موضوع مطروحه در مقاله حاضر به بررسی حقوقی اصول و قواعد فقهی در نظام بانکی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: قواعد فقه اسلامی، فقه امامیه، شرع مقدس، اصول فقهی، نظام بانکی

بخش اول: بررسی و مفهوم بانک و بانکداری

واژه ای که امروزه به یک نهادسازمان و عملیات مالی اطلاق می شود یعنی بانک و مشتقات آن ریشه ای آلمانی و پیشینه ای ایتالیایی دارد. این واژه در میان صرافان ایتالیایی برای اطلاق نیمکت صرافان (bonco) شایع شد.^۱ از قرن نوزدهم به بعد و بتدریج و متناسب با مقتضیات و نیاز به تنوع خدمات مالی این واژه درمفهوم می که امروزه از آن فهمیده می شود مورد استفاده قرار گرفت. در فرهنگ دهخدا بانک به معنای سازمان و دستگاهی که محل ذخیره پول مردم است و بدان داد و ستد کنند یا دادو ستد در آنجا انجام گیرد نیز بنگاه صرافی و معاملات مهم نقدی. سازمانی که عملیات آن به طور کلی عبارت کلی عبارت است از: نقل وانتقال وجوه و صدور بروات و نگاهداری سرمایه اشخاص و به کار انداختن سرمایه های مذکور برای توسعه تجارت و اعتبارات تجارتي به خصوص از جهت تسهیل عمل مبادلات و نقل و انتقال وجوه و دادن اعتبار و قرض به مردم با ربح کمتر از میزان عادی بازار و گاه نشر اسکناس رایج کشور تعریف شده است.^۲ در فرهنگ معین واژه بانک از جمله به معنای بنگاهی اقتصادی ملی یا دولتی که مردم پولهای خود را در آن به امانت سپارند و در موقع لزوم.... برداشت کنند آمده است.^۳ هر چند می توان ادعا کرد که بانکداری به مفهوم ابتدایی آن از زمان مبادله پایاپای کالا شروع شد اما عملیاتی که امروزه به عنوان بانکداری شناخته می شود سابقه ای طولانی ندارد و به طور خاص شروع آن به زمان استفاده گسترده از اسکناس و اسناد بانکی در کلیه مبادلات و معاملات مربوط می شود. از این رومی توان گفت بانکداری محصول نیاز زمان است و وقتی به

^۱السان مصطفی. اصول بانکداری. ص ۱۱ و ۱۲

^۲ لغت نامه دهخدا، ج ۳، (مدخل بانک)، ص ۷۲۳-۷۲۴.

^۳ فرهنگ معین، ج ۱، (مدخل بانک)، ص ۴۶۹.

وجود آمد که احتیاج به یک وسیله پرداخت و سنجش ارزشها و بالاخص وصول مطالبات از مشتریان دور و نزدیک با وجود خطرهای ناشی از نقل و انتقال پول ایجاب می کرد که این فعل و انفعال توسط موسساتی به نام بانک انجام گیرد.^۱ پیش از تاسیس بانک مرکزی و نظام مند شدن بانکداری تشخیص بانک از طریق بانک از طریق بررسی نوع فعالیتهای انجام می شد که از سوی اشخاص صورت می گرفت. به طوری که اگر شخصی عرفاً و به عنوان شغل معمولی به فعالیتهای صرافی و بانکی می پرداخت بانک محسوب می شد. به مرور زمان این رویه تثبیت شد که فعالیتهای بانکی نمی تواند حصری باشد و به همین دلیل در رویه قضایی کامن لایبانکداری به ارائه تسهیلات و خدماتی که عادتاً یک بانک ارائه می دهد تعریف گردید.^۲ امروزه تقریباً در تمامی کشورهای جهان بانکداری یک شغل تجاری محض که هر کس بتواند بدان اشتغال داشته باشد نیست. در کشورمان تشکیل بانک فقط به صورت شرکت سهامی عام با سهام با نام (بند الف ماده ۳۱ ق. پ. ب. ک) یا توسط دولت امکان پذیر بوده و علاوه بر لزوم اخذ مجوز بانک مرکزی مستلزم رعایت تشریفات نسبتاً مفصلی است.^۳

بخش دوم: جایگاه سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

پیشینه طولانی مدت بانکداری متعارف منجر به ایجاد یک بدنه قانونی و حقوقی پخته و مستحکم شده است. اما از آنجا که نظام بانکی اسلامی نوظهور است تکنیکهای قانونی و نظارتی ساز کار با بانکها و نهادهای مالی اسلامی هنوز به درستی ایجاد نشده و توسعه نیافته است. حتی قانون تجارت در اکثر کشورهای اسلامی نیز نوعی نسخه برداری از قوانین غرب

^۱ بانکداری داخلی (۱) (تجهیز منابع پولی)، ص ۱۵.

^۲ banbury v. bank of montreal ۱۹۱۸ AC ۶۲۶

^۳ بانکداری الکترونیکی، حسین عباسی نژاد و مینامهرنوش، انتشارات سمت، ۱۳۸۵، ص ۳۳

می‌باشد. قوانینی که در بسیاری از موارد توجهی به ملاحظات بانکداری اسلامی ندارند و بانکهای اسلامی را محدود و مجبور به رعایت و حرکت در چارچوب قوانین تجارت غربی می‌کند برای مثال می‌توان به مباحث کفایت سرمایه کمیته «بال» اشاره کرد این کمیته با توجه به تعریف متعارف از بانک الزاماتی را مطرح می‌کند که بانکهای اسلامی نیز مجبور به رعایت آنها هستند. (کرپهری ۲۰۰۴) نظام بانکی اکثر کشورها بر مبنای نظام متعارف شکل گرفته است اما در ایران بعد از تصویب قانون بانکداری بدون ربا تمام بانکها و موسسات مالی ملزم به اجرای این قانون هستند و در نتیجه بانکهای ایرانی دارای فرصت رشد بیشتری نسبت به بانکهای اسلامی که در سایر کشورها در کنار بانک های متعارف فعالیت می‌کنند برخوردار هستند چرا که (منظور و دیگران ۱۳۸۹)

الف) بانکها مقداری از ذخایر خود را باید نزد بانک مرکزی نگه دارند و بانک مرکزی به این ذخایر بهره می‌دهد اما بانکهای اسلامی به دلیل تحریم ربا نمی‌توانند از این بهره استفاده کنند.

ب) بانک مرکزی به عنوان آخرین قرض دهنده در شرایط بحرانی به بانک ها وام می‌دهد لیکن بانک های اسلامی به دلیل تحریم ربا نمی‌توانند از این تسهیلات استفاده کنند.

ج) یکی از دلایل وجود ذخیره قانونی در بانکهای متعارف به دلیل ایجاد ایمنی برای بانک ها هنگام برداشت سپرده ها است در حالی که در بانک های اسلامی بخشی از سپرده ها در قالب مضاربه و مشارکت است و نمی‌توان همان حکمی را که بر سپرده های دیداری جاری است بر آنها راند. (اقبال ۱۹۹۸)

د) نظام مالیاتی اکثر کشورها به نفع بانکداری متعارف عمل می کنند زیرا بهره هزینه قابل قبول مالیاتی است در صورتیکه سود که جایگزین آن در نهادهای مالی اسلامی است سپر مالیاتی ایجاد نمی کند و قابل کسر در در محاسبه مالیاتی نمی باشد. (آمر ۲۰۰۵)

بند اول: تعدد قوانین

یکی از مهمترین قوانینی که در ایران وضع شده است قانون بانکداری بدون ربا بوده است که قرار بود این قانون در هر پنج سال بازنگری شود اما این اتفاق نیافتاد البته در شرایط کنونی تعدد و تشتت در قوانین و مقررات ناظر بر سیستم بانکی کشور یکی از معضلات و مسائل اساسی است که بعضا روابط بین بانک و مشتریان را در جهات مختلف و متفاوت تحت تاثیر قرار می دهد. در کشور ما قوانین و مقررات به ترتیب تصویب عبارتند از: (خاوری ۱۳۷۵)

الف) قانون پولی و بانکی کشور مصوب هجدهم تیرماه ۱۳۵۱

ب) قانون ملی شدن بانکها مصوب هفدهم خردادماه ۱۳۵۸

ج) لایحه قانونی اداره امور بانکها مصوب سوم مهر ۱۳۵۸

د) قانون عملیات بانکی بدون ربا در هشت شهریور ۱۳۶۲

علاوه بر مجموعه قوانین و مقررات مذکور تعداد زیادی مصوبات مراجع دیگر از جمله بانک مرکزی شورای پول و اعتبار شورای عالی بانکها مجمع عمومی بانکها هیات دولت و ... نیز در ارتباط با بانکها بایستی به این مجموعه افزوده شود. بنابراین برای پاسخگویی به نیازهای امروز جامعه لزوم تجدید نظر اساسی در مجموعه قوانین و مقررات موجود و تصویب یک

مجموعه مدون و هماهنگ برای ارائه یک تعریف جامع از بانک و وظایف اساسی آن و نحوه تنظیم روابط اصولی بانک ها با مردم بیش از پیش احساس می گردد.

بند دوم: ملاحظات فقهی و شرعی

بانکی اسلامی نامیده می شود که بر مبنای احکام شریعت عمل کند. تفسیر مسائل شرعی بر عهده فقهاست این در حالی است که علمای مکاتب و مذاهب مختلف اسلامی مانند تشیع شافعی و غیره هر کدام دارای دیدگاه های متفاوتی هستند. حتی در یک مذهب نیز فقها دارای فتواهای مختلف در خصوص یک موضوع هستند. (کر بهری ۲۰۰۴)

نظام بانکی اسلامی بر مبنای تعریف ها و تفسیرها و فتواهای مختلف شکل می گیرد. در صورتیکه این تعاریف و مبانی یکسان نباشند اجزاء این سیستم نمی توانند با یکدیگر تعامل مناسب داشته باشند در نتیجه کلیت نظام بانکی اسلامی در سطح جهانی دچار خدشه می شوند. این اختلافات در بلند مدت مانع رسیدن بانکداری اسلامی به الگوی واحد جهانی می گردد. مانند اختلاف نظر در مورد جریمه تأخیر تأدیه. (القری بن عید ۲۰۰۵)

بند سوم: پیچیده بودن قوانین و مقررات

با حذف بهره از عملیات بانکی طراحان بانکداری بدون ربا به فکر استفاده از راه های مجاز در فقه اسلامی افتادند و در این رابطه با دو مشکل اساسی مواجه شدند. از طرفی به منظور تامین اصل فراگیر بودن معاملات بانکی می خواستند قوانین بانک را چنان تنظیم کنند که تمام انگیزه های سپرده گذاری و تمام انواع تقاضاهای تسهیلات بانکی را جوابگو باشند و از طرف دیگر می دیدند که بسیاری از عقود شرعی با یک سری محدودیت های ذاتی مواجهند و این

امر موجب شد که عقود متعدد و متنوعی - مخصوصاً در فصل تخصیص منابع و اعطای تسهیلات بانکی - وارد قانون عملیات بانکی بدون ربا گردد. در نتیجه تعدد عقود بانکی از یک طرف و محدودیت‌های شرعی هریک از عقود از طرف دیگر و مراعات سیاست‌های کلی نظام از طرف سوم دست به دست هم داده و آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های پیچیده‌ای را به وجود آورده‌اند که فهم آن نه تنها برای مشتریان بلکه برای بسیاری از کارگزاران بانک نیز مشکل است. (قریشی ۱۳۸۸)

بند چهارم: شبه ربوی بودن معاملات بانکی

صوری بودن بخشی از معاملات رشد کمی عقود مبادله‌ای که ماهیت شبیه وام و اعتبارات ربوی دارند اعلام نرخ سود علی‌الحساب در اول دوره و اعطای همان نرخ به عنوان سود تحقق یافته برای سپرده‌ها اعلام نرخ سود انتظاری و گرفتن همان نرخ به عنوان سهم بانک از متقاضی تسهیلات صحبت از بالا (یا پایین) بردن سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری در حالی که در بانکداری بدون ربا سود سپرده‌ها تابع سود دهی نظام بانکی است که در آخر دوره مالی مشخص می‌شود. و همچنین افراد باایمان جامعه با بانک‌ها همکاری نمی‌کنند زیرا آنان به جهت پرهیز از مبتلا شدن به ربا اقدام به سپرده‌گذاری با اخذ تسهیلات بانکی جهت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی ننموده و در نتیجه کارآیی بانک‌ها کاهش یافته است. (قریشی ۱۳۸۸)

بند پنجم: شفافیت

در قانون عملیات بانکی بدون ربا به لحاظ ترجیح منافع جمعی به فرد و توزیع مناسب ثروت و سرمایه در سطح جامعه به نظر می رسد اجرای دقیق و سریع سیاست های تعدیل اقتصادی (پولی و مالی) را بر بازدهی واحدی بنگاه های اقتصادی ارجح می داند. در قانون عملیات بانکی بدون ربا (بخش منابع) واجبات نیاز سپرده گذاران به مواهب دنیوی و اخروی در قالب سپرده های سرمایه گذاری و قرض الحسنه به طور وضوح پرداخته شده است و با صرف انعقاد قرارداد وکیل و موکل و یا داین و مدیون مسئولیت طرفین مشخص می گردد. اما در بخش مصارف و رفع نیاز متقاضیان تسهیلات در قالب عقود چهارده گانه مواردی مطرح است که نیاز به تشریح و تفسیر بیشتر دارد از آنجمله :

۱. اصول بانکداری اسلامی مبتنی بر روابط طرفین در بازار کالا و یا سرمایه حاکم است نه بر بازار پول و آیا شاکله و ساختار بانک که برای بازار پول طراحی و ساخته شده در بازار کالا نیز موضوعیت و جامعیت دارد ؟

۲. بازار کالا و سرمایه که مجموعه فعالیت های اقتصادی با تعامل تولیدکنندگان توزیع کنندگان و مصرف کنندگان ایجاد می گردد طیف بسیار گسترده ای (شاید بیش از هزاران نوع محصول و خدمت) را شامل می گردد و آیا نظام بانکداری بدون ربا این توانمندی دانش و تخصص لازم را درخصوص ماهیت کیفیت قیمت تمام شده و ... را دارد تا در با صرفه ترین بخش اقتصادی مراد داشته باشد به نحوی که منافع سپرده گذاران حفظ و بر بازگشت اصل و سود اطمینان حاصل و در رشد و توسعه اقتصادی کشور نیز موثر باشد.

۳. فلسفه تجارت و حضور در بازار کالا ایجاب می نماید تا موضوع تجارت به رویت و مشاهده طرفین رسیده و انتقال مالکیت و فیزیکی کالا نیز صورت پذیرد. آیا ساز و کار مشخصی برای سیستم بانکی برای نقل و انتقال و نگهداری محصولات دیده شده است.

۴. نتیجه فعالیت های تجاری در حجم سود هر معامله نمود پیدا می کند که در حال حاضر کمیت کلی آن در اختیار عامل (تسهیلات گیرنده) است چنانچه بانک ها به صرف اظهارات وام گیرندگان در بازدهی تجارت و مشارکت ها بسنده نمایند آیا منافع بانک و سپرده گذاران نیز توأماً تأمین خواهد شد

بخش سوم: نگاهی به اصل ریسک و بازده در سیستم بانکی

ریسک عدم اطمینان درباره وضعیت اقتصادی است (آبرول و شراما، ۲۰۰۳، ۸۹۲).

چنینان ریسک را با دو علامت خطر و فرصت تعریف می کنند. ریسک در حوزه سرمایه گذاری مربوط به جریان های نقدی آتی است. ریسک سرمایه گذاری، احتمال وقوع بازده واقعی به غیر آنچه که انتظار می رود، است. بنابراین هر اندازه تغییرپذیری نتیجه ها بیشتر باشد، سرمایه گذاری، ریسک دارتر خواهد بود (راعی و تلنگی، ۱۳۸۷، ۱۱۴).

قرآن کریم در چند آیه به ریسک در تلاش های انسان صحنه گذاشته و تصمیم گیری وی را جایز می شمارد.

«و اینکه برای انسان بهره ای جز کوشش وی نیست * و اینکه کوشش وی در آینده دیده می شود» (نجم، ۳۹، ۴۰).

گرچه آیه های پیش گفته به قرینه پیش و بعد ناظر به کوشش های انسان برای امور آخرت است اما با این حال چون براساس حکم مسلم عقلی است، می توان نتیجه آن را تعمیم داد و کوشش های دنیا را نیز مشمول آن دانست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵۵۳) و چنین برداشت کرد که لزوماً متمم کوشش های انسان در وضعیت اطمینان کامل نیستند، به این صورت که وی پاداش یا زیان نتیجه کوشش خود را در هنگام انجام آن مشاهده کند، بلکه این پیامدها در هاله ای از جهل و ابهام برای انسان وجود دارد و وی است که باید براساس عقل و به کارگیری تجربه نیک از بد تشخیص داده و در همین فضای عدم اطمینان تصمیم بگیرد.

روایتی از پیامبر اکرم (ص) که به موضوع توکل که نمادی از ریسک است نقل شده است:

«هنگامی که بادیه نشین عرب، پای شتر خود را نبسته بود و آن را بدون بستن رها ساخته بود و این کار ار نشانه توکل بر خدا می دانست، پیامبر به وی فرمودند: «اعقلها و توکل» یعنی پایش را ببند و توکل کن»

آیه دیگری که مقصود ما را بهتر بیان می کند و چه بسا با مفهوم های مالی و سرمایه گذاری همگرایی بیشتری داشته باشد، آیه ۱۸۸ سوره اعراف است. خداوند متعال در این آیه به پیامبر می فرماید: «و اگر از غیب با خبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می کردم، و هیچ بدی (زیانی) به من نمی رسید...» (اعراف، ۱۸۸).

واژه غیب در این آیه کریمه دلالت بر عدم آگاهی و اطمینان نسبت به وضعیت آینده دارد، به این معنا که هر آنچه از افزایش سود یا کاهش زیان بیان می شود همگی براساس پیش بینی و

پیش‌گویی مبتنی بر معلومات اجمالی تصمیم‌گیرنده است. آیه پیش‌گفته بیانگر فرضیه عدم اطمینان در حوزه سرمایه‌گذاری است (دنیا، ۲۰۰۲، ۵۰).

بخش چهارم: نگاهی اجمالی به نظارت شرعی از منظر مبانی بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف

بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی تعریف و جایگاه یکسانی ندارد سه مدل در کشورهای اسلامی برای پیاده‌سازی بانکداری اسلامی مطرح است:

- سیستم «بانکداری اسلامی خالص» که در آن تمام نظام بانکی تحت شمول اصول و قواعد بانکداری اسلامی است و بانکداری متعارف (یا عرفی) در آن جایی نداشته و ممنوع است. کشور ایران در حال حاضر شاید تنها کشوری باشد که تلاش می‌نماید در این الگوی اقتصادی نظام پولی بانکی خود را طرح‌ریزی نماید و هدف قانونگذار ایران پس از انقلاب اسلامی با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا این امر بوده است، به طوری که به صراحت در این قانون و قانون اساسی این مهم مورد تأکید قرار گرفته است.

- رویکرد دوم، سیستم «بانکداری دوگانه» است به این ترتیب که در کنار بانک‌هایی که بر اساس اصول بانکداری متعارف (عرفی) فعالیت می‌نمایند شعب یا بانک‌هایی نیز به فعالیت در چارچوب بانکداری اسلامی اشتغال داشته باشند. این الگو حتی در انگلستان نیز از دهه ۸۰ میلادی رواج داشته است و در سایر کشورهای اسلامی نظیر مالزی، اندونزی و غالب کشورهای اسلامی نیز همین رویکرد جاری است.

- سیستم «بانکداری موازی» سومین رویکرد نظام بانکی است که در آن کشورها فاقد قوانین خاص برای ایجاد بانکداری اسلامی هستند، اما مقررات یا نظارت های خاصی در چارچوب مقررات عمومی بازارهای مالی برای تأمین مالی اسلامی دارند. عربستان، امارات متحده عربی، قطر، کویت، پاکستان، اردن، بحرین و سنگاپور از جمله این کشورها هستند.

با این اوصاف ضروری است که هنگامی که می خواهیم از مدل بانکداری اسلامی یک کشور دیگر برای کشورمان الگوبرداری کنیم، به این مهم توجه نماییم که آیا آنچه در یک بانکداری اسلامی حداقلی کارآمد است، در یک نظام تماماً مبتنی بر بانکداری اسلامی نیز همان تبعات اقتصادی را دارد یا بازار مالی را به نحو متفاوت دیگری دگرگون می سازد و آثار اقتصادی متفاوتی با کشور مورد اقتباس بر جا خواهد گذاشت.

بخش پنجم: محتوای نظارت شرعی در سیستم بانکی

شاید مهم ترین سوال این باشد که شورای فقهی یا همان کمیته شریعت در بازار پولی و بانکی چه نقشی دارد و قرار است چه کارکردی داشته باشد.

- تجربه سایر کشورها در این زمینه نشان می دهد که اولاً شورای فقهی به رصد و بررسی موشکافانه کلیه عملیات و خدمات بانکی می پردازد خواه مربوط به روابط بین بانکی باشد، خواه مربوط به رابطه بانک با مشتریان و همچنین فعالیت های ارزی و بین المللی بانک ها. علاوه بر این موارد سایر مؤسسات مالی غیر از بانک ها نیز فعالیت

شان توسط شورای فقهی رصد می‌شود و نه تنها عقود و معاملات فی مابین بررسی می‌شود، بلکه کلیه اسناد تجاری و اوراق بهادار نیز مورد توجه واقع می‌شوند.

- شورای فقهی در برخی کشورها با ارائه گزارش‌های ماهانه یا شش ماهه یا یک ساله به نقد و بررسی وضعیت فعالیت‌های بانکی و پولی از منظر شریعت اسلام می‌پردازد و مواردی که مغایر با شرع هست را اعلام می‌نماید.

- همچنین شورای فقهی به تدوین اصول و استانداردهایی جهت هدایت شرعی بانک‌ها و مؤسسات مالی اقدام می‌نماید به عنوان نمونه، سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی به عنوان یک نهاد بین‌المللی اسلامی، ۴۸ استاندارد به عنوان «استانداردهای شرعی» وضع نموده و منتشر کرده است یا شورای مشورتی شریعت مالزی سالانه اصول و استانداردهایی را در قالب مصوبه و گزارش سالانه خود منتشر می‌نماید.

- از طرفی یکی از کارکردهای مهم کمیته‌های فقهی یا شورای شریعت، پیشنهاد ایجاد نهادهای فقهی حقوقی جدید با توجه به نیازهای بازار است. صکوک و سایر اوراق بهادار اسلامی از جمله این ابداعات است یا نهاد تکافل و سایر عقود و معاملات نظیر مرابحه، استصناع و ... از جمله نوآوری‌های این مراجع فقهی برای بازارهای مالی و پولی می‌باشند.

به طور کلی در خصوص نظارت شرعی در بازارهای مالی و به طور خاص، گستره اختیارات و عمل شورای فقهی سه رویکرد وجود دارد رویکرد حداقلی، رویکرد میانی و رویکرد حداکثری.

در رویکرد حداقلی، وجود یا عدم وجود نظارت شرعی بر مؤسسات مالی و بانک‌ها و بالاخص بانک‌ها و مؤسسات اسلامی، امری اجباری نیست بلکه این نظارت شرعی کاملاً اختیاری است و اساسنامه و مجمع یک مؤسسه مالی اسلامی تصمیم خواهد گرفت که نظارت شرعی و نهاد کمیته شریعت در آن مؤسسه باشد یا خیر. از سوی دیگر هیچ قوانین و مقرراتی نیز در این خصوص وجود ندارد و نهاد نظارتی مرجع جهت هماهنگ‌سازی کمیته‌های فقهی مؤسسات مالی اسلامی نیز وجود ندارد. این رویکرد در نهادهای مالی اسلامی آمریکا و انگلستان و عربستان سعودی حکمفرماست.

رویکرد دوم رویکرد میانی است که از شاخص‌های بارز آن می‌توان به وجود قانون واحد، اجباری بودن نظارت شرعی و نبود نهاد نظارتی مرجع در مسأله نظارت شرعی اشاره کرد. در کشورهای نظیر کویت و قطر این رویکرد جاری است بدین معنا که کمیته‌های شرعی در بانک‌های اسلامی و مؤسسات مالی اسلامی وجود دارد لکن نهاد مرکزی در بانک مرکزی و یا سایر دستگاه‌های حکومتی جهت اعمال یکپارچه نظارت شرعی طرح‌ریزی نشده و جزء سیاست‌گذاری‌های کلان بازار مالی و پولی آن‌ها نیست بلکه صرفاً جهت حل اختلاف میان کمیته‌های فقهی موجود، نهادی پیش‌بینی شده است.

رویکرد سوم رویکرد حداکثری است که از جمله مهم‌ترین شاخص‌های آن می‌توان به وجود قانون واحد، اجباری بودن نظارت شرعی، وجود نهاد نظارتی مرجع در مسأله نظارت شرعی

اشاره کرد. این رویکرد در کشورهای نظیر مالزی و اندونزی و بحرین و امارات جاری است. در این کشورها بانک مرکزی و قوانین مالی و بانکی، نهادی را جهت نظارت شرعی یکپارچه و نظام‌مند پیش‌بینی کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پایانی این مقاله باید گفت موضوع توسعه بانکداری در چارچوب قواعد و اصول فقهی و شرعی از دغدغه‌های این نظام است و در همین راستا کارگروه تخصصی شورای فقهی بانک مرکزی برای بررسی مسائل و مباحث کارشناسی و ارائه نظرات به شورای فقهی تشکیل شده است. مبانی فقهی بانکداری اسلامی به معنای قواعد فقهی است که با استفاده از فقه و اصول فقه در ایجاد ساختار محصولات بانکداری اسلامی اثرگذاری دارد. در واقع لازم است در بانکداری و مالی اسلامی، هر نوع رابطه‌ای که بین ذینفعان برقرار می‌شود به لحاظ فقه اسلامی بدون اشکال باشد. بانک به عنوان یک موسسه انتفاعی در اسلام و در هیچ یک از جوامع بشری به صورت نظاممند کنونی وجود نداشته ولی از صدر اسلام معاملاتی شبیه به آنچه در بانک انجام می‌گیرد در جامعه جریان داشته است. در نهایت به نظر می‌رسد آنچه برای برون رفت از ناکارآمدی قانون عملیات بانکی بدون ربا لازم است و آنچه نظارت شرعی در راستای تحقق بانکداری اسلامی را محقق می‌گرداند، وجود یک شورای فقهی است که اولاً مستقل باشد تا به جای آنکه عملاً کارکرد آن، توجیه فقهی وضع موجود و عملکرد بانک مرکزی شود، به نقد و تجویز تغییر رویکردهای نادرست سیستم بانکی بپردازد. ثانیاً این شورا باید دسترسی گسترده به کل شبکه بانکی داشته باشد تا از نزدیک انحرافات سیستم بانکی از اصول و استانداردهای بانکداری اسلامی را ماهانه و سالانه رصد کرده و و

متناسب با تحولات، گزارش‌های مکتوب و مدون و مبتنی بر واقع ارائه نماید ثالثاً شورا در راستای نقش مشورتی خود، راه حل‌های فقهی و شرعی خود را به نهادهای واضع قانون ومقررات جهت اصلاح شرعی فعالیت‌های بانکی به صورت مداوم ارائه دهد، رابعاً در راستای نظارت شرعی اقدام به انتشار اصول و چارچوب‌ها و بررسی انجام و یا عدم انجام آنها توسط بانک‌ها و اطلاع رسانی این موضوع در گزارش‌های خود نماید.

منابع و مآخذ

قرآن کریم، نهج البلاغه و بعد

۱. جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ ششم.
۲. حسن‌زاده، علی، ۱۳۹۶، کارایی و عوامل موثر بر آن بر نظام بانکی ایران، جستارهای اقتصادی، شماره ۱۸.
۳. صدر، سید محمدباقر، ۱۳۵۷، اقتصاد ما، بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۴. فدیور، زهرا، ۱۴۰۳، بررسی حقوقی-اقتصادی جایگاه شورای فقهی در نظام بانکی ایران، مجله حقوق بانکی
۵. عیوضلو، حسین، ۱۳۹۷، اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۴۵.
۶. خوانساری، شیخ موسی، ۱۳۷۳، رساله در قاعده نفی ضرر، مکتب المحمدیه، تهران. سبحانی، جعفر، ۱۴۱۵، رسائل المرجع، قم، موسسه امام صادق (ع).
۷. طیبیان، رضا، ۱۳۹۴، قرارداد قرض الحسنه و تاثیرش در اقتصاد اسلامی، مجموعه مقالات شانزدهمین همایش بانکداری اسلامی.

۸. جندقی میدی، فرشته، ۱۳۸۷، رابطه عقود اسلامی در سیستم بانکی با کاهش فقر، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد.
۹. شعبانی، احمد، ۱۳۶۹، سیستم های پولی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. علامه طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۷۶، تفسیر المیزان ۲۴، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی.
۱۱. کرمی، محمد مهدی، پورمند، محمد، ۱۳۸۷، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، چاپ نهم، قم، انتشارات سمت.
۱۲. موسوی الخمینی، سیدروح الله، ۱۴۱۶، تحریر الوسیله، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۶، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب اسلامی، چاپ پانزدهم.
۱۴. محمودی گلپایانی، ۱۳۸۴، مبانی فقهی نظام مشارکت در بانکداری بدون ربا، هفدهمین همایش بانکداری اسلامی.
۱۵. موسویان، سیدعباس، ۱۳۹۱، آثار اقتصادی جایگزین نظام مشارکت به جای نظام بهره، تهران، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۵.
۱۶. هدایتی، سید علی اصغر و همکاران، ۱۳۷۵، مجموعه مقالات هفتمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه عالی بانکداری.